

مبانی، ارکان و ماهیت جرائم جهانی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱۰/۱۰ - تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۱/۲۵)

میلاذ میوه یان

دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی

چکیده:

به گمان اکثر افراد تعقیب بزهکاران تنها در چهارچوب حاکمیت و قوانین داخلی کشوری امکان دارد که مرتکب جرم و یا مجنی علیه تابعیت آنها داشته باشد و یا جرم بصورت فیزیکی کاملاً در آن واقع شده باشد. با این وجود در سالهای اخیر مفهوم جدیدی ظهور کرد و آن همان اصل صلاحیت جهانی بود که به کشورها اجازه می داد افرادی را که مرتکب جنایات بین المللی می شدند را بموجب حقوق بین الملل و صرفنظر از ملیت مرتکب و مجنی علیه یا محل وقوع جرم، مجازات نمایند. صلاحیت جهانی به این معنی است که: همه دولتها به موجب حقوق بین الملل حق اعمال صلاحیت کیفری بر مجرمان داشته باشند. به این معنا که در صورت ارتکاب جنایات بین المللی که نظم عمومی بین المللی را جریحه دار می کند، همه دولتها صلاحیت محاکمه و رسیدگی دارند البته این امر منوط به دستگیری مجرم می باشد. اصل صلاحیت جهانی از آنجا که جزو قواعد حقوق بین الملل کیفری در مبحث "تعارض صلاحیتها" است، از محدودیتهایی برخوردار است و در جایی قابلیت اعمال پیدا میکند که اصل صلاحیت سرزمینی، اصل صلاحیت حمایتی و اصل صلاحیت شخصی قابلیت اعمال نداشته باشد.

واژگان کلیدی: جرایم بین المللی، جرم شناسی، جهانی سازی، جهانی شدن جرم شناسی، جهانی

شدن جرم.



بخش اول: بررسی و ماهیت جرایم جهانی و جهانی شدن در این راستا:

جهانی شدن به عنوان فرآیندی که در حوزه های مختلف شئون زندگی انسان ها مطرح شده، با توجه به توسعه بزهکاری در سطح بین المللی، در حوضه علوم جنایی نیز به عنوان یک ضرورت قابل طرح است. توسعه و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات به موازات آثار مثبت، پیامدهای منفی نیز به دنبال دارد، به طوری که زمینه ساز ارتکاب بسیاری از اعمال مجرمانه در سطح بین المللی شده است. حقوق کیفری با جهانی شدن معضل جرم، تدابیر متعددی را در سطح ملی و بین المللی توصیه نموده است، ولی جرم شناسی با چند دهه تأخیر به اندیشه و فرآیند جهانی شدن توجه نموده است. بدین ترتیب، در حال حاضر با توجه به تحول متغیرهای مطالعات جرم شناسی، نا کارآمدی مطالعات جرم شناسی در سطح ملی، ضرورت استقلال علمی در قبال ملاحظات سیاسی و اجتماعی دولت ها و کمک به توسعه فعالیت های علمی جرم شناسی در سطح بین المللی ایجاد می کند که این علم نیز جهانی شده و ضمن انجام تحقیقات و مطالعه در سطح بین المللی، راهکارهای بین المللی نیز برای جامعه جهانی در قبال پدیده بزهکاری ارائه نماید. هر چند ضرورت مطالعات فراملی پدیده مجرمانه در ایران احساس شده، ولی گام های کوتاهی در راستای مقابله با جرم جهانی شده و فراملی کردن جرم شناسی و استفاده از دست آوردهای آن برداشته شده است. این تحقیق، جهانی شدن جرم شناسی و ضرورت جهانی کردن آن و گام های اولیه را در این زمینه، با توجه به اقدامات دولت ایران، بررسی می نماید.

بند اول: هدف و ضرورت بحث:

همان طور که می دانیم هدف از پیش بینی صلاحیت جهانی سرکوب مؤثر رفتارهای مجرمانه ای است که برای کل جامعه بشری زیانبار به شمار می روند. بدین منظور حقوق بین الملل کیفری پیگرد بین المللی متهمان به این جرایم را به دادگاه های ملی و نهاده است. اعطای صلاحیت به همه دولت ها در تعقیب و محاکمه این افراد، مایه این امید است که آنها روزی به سزای اعمال خود برسند و اگر در محل ارتکاب جرم از کیفر گریختند در جای دیگری از جهان به محاکمه کشیده شوند. بنابراین درست است اگر بگوییم که با به کارگیری صلاحیت جهانی، دادگاه های ملی به خدمت هنجاری بین المللی در می آیند. این نکته پوشیده نیست که متهمان به این نوع جنایات به طور معمول تحت تعقیب دادگاه های کشور خود قرار نمی گیرند. نبود اراده قاطع بر پی گیری این جرایم، ناتوانی دولت در اداره امور یا از هم پاشیدگی دستگاه قضایی از جمله موانعی است که اسباب گریز متهمان از تعقیب کیفری را فراهم می آورد. گاهی نیز عاملان این جنایات اساساً از مصونیتی نانوشته برخوردارند. نمونه هایی چند



را همه در خاطر دارند که مرتکبان خواه به علت ضعف در ترتیبات بین المللی و خواه به علت ماهیت این جرایم که نوعاً به دستور مقامات حکومتی انجام می شود معمولاً از مجازات گریخته اند. جنایات ارتش عراق در زمان جنگ با ایران و به خصوص به کارگیری سلاح شیمیایی در شهر حلبچه و قتل عام شهروندان عراقی نمونه ای از این جنایات است که تا به حال تحت بررسی و پیگرد قرار نگرفته اند. در سومالی و به هنگام درگیری شدید گروه های مسلح به سال ۱۹۹۲ که گاه حتی راه بر کمکها و آذوقه های ارسالی از خارج می بستند، شیرازه امور از هم گسیخته بود و در اساس دولت مرکزی یا تشکیلات قضایی در کار نبود تا به اعمال خلاف آنان رسیدگی کند. دادگستری شیلی فقط زمانی رسیدگی به اتهام اعمال شکنجه در دوره زمامداری ژنرال پینوشه را آغاز کرد که دیکتاتور سابق و سناتور کنونی به هنگام اقامت در انگلستان برای درمان خود با درخواست استرداد و محاکمه قضات شجاع اسپانیایی روبه رو شد. اگر راه دور نرویم و از نظر بگذرانیم آنچه را که پس از شهریور ۱۳۷۹ طی دو سال گذشته در سرزمین های اشغالی فلسطین روی داده است که به واقع می توان نام «آدمخواری» بر آن نهاد، تصور محاکمه آریل شارون نخست وزیر اسرائیل و همکاران وی در دادگاه های این کشور، دست کم در اوضاع فعلی، به رؤیای شیرین اما تغییر نشدنی می ماند. جرم شکنجه که در حقوق بین المللی جنایت تلقی می شود و از این رو هر دولتی حق تعقیب و محاکمه شکنجه گران را دارد، به طور عموم در کشور محل وقوع انکار می شود و مرتکبان آن هیچ گاه تحت تعقیب قرار نمی گیرند. در نتیجه می توان گفت که پیش بینی صلاحیتی جهانی برای مقابله با این نوع جرایم، کسانی را که مرتکب چنین اعمالی می شوند همواره در بیم از دستگیری و کیفر قرار می دهد و به دیگر دولت های مایل به محاکمه و مجازات متهمان به جنایات بین المللی امکان می دهد که به برقراری عدالت مدد برسانند. تنها در این صورت است که ارزش های انسانی که ذکر آن در آغاز رفت معنا می یابند و پامال کنندگان این ارزش ها جای امنی را در جهان نخواهد یافت. رنج دیدگانی که از این ستمگری ها جان به در برده اند یا نزدیک ترین کسان خود را از دست داده اند و به دیگر کشورها پناه می برند، خواسته ای جز این ندارند که جهانیان از ستمی که بر آنها رفته آگاه شوند. به تعبیر زیبایی یکی از نویسندگان، کاملاً طبیعی است که اینان بخواهند شناساندن این رنج ها در محضر یک دادگاه انجام گیرد و در نهایت در رای قضایی باز تابانده شود. صلاحیت جهانی این امکان را فراهم می آورد که دادگاهی در کشوری هزاران فرسنگ دورتر از محل وقوع این جرایم چنین احکامی صادر کند





بند دوم: مفهوم، معنا و اصول جهانی شدن:

جهانی شدن تعابیر متعددی دارد. عده ای جهانی شدن را فرآیندی می دانند که در آن قید و بند های جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می رود.^{۸۹} برخی دیگر، جهانی شدن را پدیده ای تلقی کرده اند که به واسطه آن امور اجتماعی بیش از گذشته از حصار تنگ و محدود دولت و ملت رها می شود.^{۹۰} همچنین به کلیه فرآیندهایی که به وسیله آن، مردمان جهان، درون یک جامعه واحد جهانی ادغام می شوند، جهانی شدن اطلاق شده است. در چنین جامعه ای، انسانیت برای اولین بار به شکل یک بازیگر و کنشگر جمعی، ظاهر می شود.^{۹۱}

صرف نظر از اینکه جهانی شدن را فرآیند چند جانبه یا یک طرح از قبل طراحی شده بدانیم، باید پذیرفت جامعه جهانی به دنبال اهدافی است که رسیدن به آنها مستلزم شأن والای انسانی است و از طرفی، معضلاتی وجود دارد که سدره این پیشرفت، آسایش و امنیت است. به ناچار این معضلات جهانی باید به عنوان مشکل همه اعضای جامعه جهانی تلقی شده و به طور جمعی در مقام مقابله با آنها برآمد.

انتظار این است که جهانی شدن، رشد و توسعه را در سطح جهان شتاب داده و دستیابی به سعادت بشری، آزادی، صلح پایدار و فراگیر را تسهیل نماید. با این وصف، این پدیده که در فرآیند پیشرفت فناوری بشری و دستیابی غیر قابل کنترل انسان ها به مناطق جغرافیایی، منابع مالی و اطلاعاتی سایر انسان ها ایجاد شده، خود زمینه ساز رفتارهای غیر قانونی است که «جرائم فراملی» محسوب می شود.^{۹۲} جهانی شدن به طیف گسترده ای از مشکلات اجتماعی مانند فقر، اختلاف طبقاتی، تبعیض ناروا در بهره مندی از بهداشت، فساد، قاچاق انسان و مواد مخدر، پول شویی، تروریسم و جرائم زیست محیطی دامن می زند. سازمان های مجرمانه در سطح بین المللی، امکانات مربوط به تحقق بخشیدن جهانی شدن را در عمل به عنوان فرصت ارتکاب جرم برای خود می یابند. پیشرفت های اساسی که در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات در یک دهه اخیر صورت گرفته، به موازات تسریع در مبادلات تجاری و مالی در سطح جهان، ارتکاب جرائم را نیز تسهیل کرده است. شبکه های گسترده فناوری ارتباطات و اطلاعات، زمینه های فراوانی برای سوء استفاده بز هکاران بین المللی در قالب جرائم سایبری، پول شویی که قابلیت کنترل

^{۸۹} - والترز، ۱۳۸۲: ۵۲

^{۹۰} - گل محمدی، ۱۳۸۳: ۴۷

^{۹۱} - سجادی پور، ۱۳۸۲: ۱۹۶

مالی کمتری دارند، به وجود آورده است. امکانات و بستریایی که مسافرت های بین المللی را تسهیل و افزایش داده، هرچند به روند جهانی شدن شتاب می دهد ولی خود فرصت مناسبی برای بزهکاران بین المللی نیز فراهم می کند که از این امکانات به منظور قاچاق کلان اجناس، مواد مخدر و مهمتر از همه قاچاق زنان و دختران باهدف سوء استفاده جنسی استفاده کنند. بدین ترتیب، اگر پیشرفت فناورانه بر روند جهانی شدن شتاب می بخشد، ولی این شتاب همواره با نتایج مثبتی همراه نیست و در نهایت مشکلاتی در سطح جهان به دنبال دارد که بارزترین آن ظهور جرائم فراملی و جهانی شده یا افزایش این جرائم است. پیشرفت هایی که انسان به مدد ارتباطات و فناوری به دست آورده و مرزهای جغرافیایی را درهم نوردیده است به نوبه خود، موجب افزایش جرائم قاچاق انسان، اعضای بدن، اجناس عتیقه و حیوانات کمیاب و نیز جهانی شدن آن ها شده است. اطلاعاتی که کشورهای پرجمعیت از نیاز بعضی کشورها به نیروی کار در اختیار شهروندان خود قرار داده اند، باعث شده است که شهروندان برای مسافرت به این کشورها ترغیب شوند. شوق و رغبتی که خود زمینه ساز قاچاق غیرقانونی انسان یا ورود غیرمجاز اتباع بیگانه می شود. بدین سان، امکانات جهانی شدن در عین حال که دارای ابعاد مثبت در قالب توسعه اطلاعات و پیشرفت جوامع است، واجد ابعاد منفی اجتناب ناپذیر نیز هست. آنچه باید در فرآیند جهانی شدن مدنظر قرار گیرد، تقویت ابعاد مثبت آن است تا جهات منفی در پرتو این مزایا کم رنگ شود. امروزه پیشرفت های جوامع بشری که شامل حال اکثریت انسان ها شده بر کسی پوشیده نیست. وضعیت روبه رشد بهداشت، تغذیه، آموزش و پرورش و ارتقای اطلاعات از جمله این ثمرات است که بعضاً به «جهانی شدن دستاوردهای بشری» تعبیر می شود.

بند سوم: جرم، ازبی نظمی ملی تا معضل جهانی:

امروزه بسیاری از معضلات تأثیر گذار در یک کشور، در اندک زمانی کشورهای دیگر را نیز متأثر می کند. مشکلات و رکود اقتصادی یک کشور در درجه اول به کشورهای همسایه و سپس به سایر کشورها سرایت می کند. بحران اقتصادی ایالات متحده آمریکا و یا بحران کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، سریعاً در سایر نقاط دنیا، تأثیر خود را بر جای می گذارد.

در ابعاد دیگر نیز همین تأثیر و تأثرات به خوبی دیده می شود. شیوع بیماری هایی مانند آنفولانزای مرغی و در حال حاضر شیوع بیماری آنفولانزای خوکی (نوع A)، با توجه به بسترهای جهانی شدن، طیف گسترده ای از کشورها را به خود مشغول کرده است، به طوری که به عنوان معضل جهانی مستلزم تدابیر کنترلی و پیشگیرانه جهانی است.





آلودگی هوا که تغییر شرایط اقلیمی کشورها را به دنبال دارد، زمین لرزه، ویروس های کامپیوتری، بهره برداری غیرقانونی از حقوق مالکیت فکری، دیگر مرزجغرافیایی نمی شناسد و به عنوان معضل ملی تلقی نمی شود. نگرانی و ترس از اعمال تروریستی، درپرتو وسایل ارتباط جمعی فراگیر، به همه شهروندان دهکده جهانی انتقال می یابد. بدین سان، آایازمان آن نرسیده است که دولت ها و حقوقدانان کیفری و جرم شناسان، از منظر واکنش و اتخاذ تدابیر کنشی در سطح جهان راهکاری بیندیشند؟ پاسخ این سؤال که انگیزه نگارش این تحقیق محسوب می شود، مارا به سوی این امر بدیهی سوق خواهد داد که ضرورت راهکارهای جرم شناختی رانیز فراتر از مرزها جستجو کنیم.

یکی از تحولات اساسی که در زمینه جهانی شدن صورت گرفته است، جرم است. جرائم تاکنون بیشتر یک پدیده سرزمینی در سطح ملی، تلقی می شدند. تلقی حقوق کیفری به عنوان یکی از رشته های حقوق داخلی نیز ناظر به همین خصوصیت پدیده مجرمانه است.^{۹۳} در رویکرد سنتی، در صورت وقوع جرایمی مانند سرقت، تعقیب سارق و کشف جرم، به دلیل شناختی که بزه دیده از بزه کار داشت، با مشکلات لاینحل، همراه نبود. ملاحظه ماهیت جرائمی مانند تجاوز جنسی، این حقیقت را بیشتر روشن می سازد. طبعاً در چنین شرایطی کنترل جرم و مقابله با آن را باید در محل وقوع جستجو کرد که البته ابزار آن دردسترس و ساده خواهد بود.

جهانی شدن، این مسائل ساده را به معضلات اساسی تبدیل کرده است. مرتکب یا مرتکبان جرائم فراملی، غالباً برای بزه دیده یا بزه دیدگان مشخص نیست. در نتیجه، کشف چنین جرائمی برای پلیس و ضابطان دادگستری چندان آسان نیست. دولتها در مواجهه با این معضلات، به ناچار باید در اندیشه تعریف گستره جهانی برای حاکمیت قوانین جزایی باشند.

بنابراین، باید قوانین و مقرراتی و رای نظم ملی، برای قلمرو جهانی تدوین شود. البته، درهمین جا باید خاطر نشان ساخت که پذیرش یک نظم جهانی به معنای یکی شدن همه جانبه ارزش های بشری نیست، بلکه صرفاً به عنوان یک ضرورت و به جهت فراگیری معضلات جرم در سطح جهان، باید تدابیر عام الشمول اتخاذ گردد.

بخش دوم: مفهوم و ماهیت جرم شناختی جهانی شدن:

جرم شناسی نیز به عنوان دانش مطالعه علمی پدیده مجرمانه و علل آن، ضرورت جهانی شدن را رفته رفته بیشتر احساس می کند. در گذشته که جرم پدیده ای محلی یا لاقلم ملی تلقی می شد، کار جرم شناسان به بررسی این پدیده و علل آن در سطح محل وقوع یا کشور محل وقوع محدود می شد. بنابراین، تحقیقات و مطالعات جرم شناختی، محدود به یک حوزه جغرافیایی از یک شهرستان یا یک استان و نهایتاً یک کشور بوده و تحقیقات فراملی در آن دیده نمی شود.

بررسی تحقیقات جرم شناختی کشورها نشان می دهد پژوهش هایی که در بعضی از کشورها در حال حاضر جنبه بین المللی پیدا کرده است، غالباً به یک یا چند کشور محدود می شد.

مطالعات جرم شناختی تجربی در بعضی کشورها مانند آمریکا نیز نشان می دهد که این تحقیقات محدود به مرزهای کشور است. در اروپا نیز این مطالعات موردی و کاملاً جنبه منطقه ای و داخلی داشته است. مطالعات جرم شناختی در ایران از بررسی جرم در یک منطقه جغرافیایی خاص در سطح شهرستان یا استان فراتر نرفته است. اکثر جرم شناسان، چنانچه بررسی تطبیقی و مقایسه را دنبال کنند، عمدتاً بر مطالعات انجام شده در سطح کشورها تأکید دارند. اما ضرورت این امر احساس می شود که با جهانی شدن جرم به عنوان یک معضل مشترک بشری، افقهای دید جرم شناسی از توجه به محل یا قلمرو یک کشور به سطح جهان توسعه یابد. بدین ترتیب، ضرورت کسب تخصص در مطالعات فراملی جرم شناختی، امری است که بیش از گذشته احساس می شود. محصور کردن مطالعات و افقهای دید از لحاظ جغرافیایی، فرهنگی و قانونی به یک مکان خاص، حتی اگر این قلمرو، تمام سرزمین یک کشور باشد، دولتها را در به کارگیری تدابیر هماهنگ بین المللی در قبال پدیده مجرمانه ناکام خواهد گذاشت.^{۹۴} بدین ترتیب، مفهوم جهانی شدن در رویکرد جرم شناختی، به معنای بررسی علمی پدیده مجرمانه در سطح بین المللی و اتخاذ تدابیر فراملی برای کنترل پدیده ای است که مرزهای ملی را درنوردیده و به یک معضل جهانی تبدیل شده است.

بند اول: اعمال صلاحیت جهانی و تقابل آن با ملاحظات سیاسی:

هدف دکترین طرفدار سازوکار صلاحیت جهانی، مشارکت در ارتقاء صلح جهانی از طریق مبارزه با بی کیفی است. این هدفی آرمانی است که پس از جنگ جهانی دوم حیاتی تازه یافت، اما متأسفانه تحت تأثیر واقعیت های روابط بین الملل و نفوذ ملاحظات سیاسی تا حدودی متزلزل و از اعتبار آن

۹۴. (Kahn ۱۹۹۷:۹۹).



کاسته شد. به کلام دیگر، درگیری منافع دولتها با اعمال فرامرزی این ساز و کار از اعتبار دکتین صلاحیت جهانی که تبلور مفاهیمی چون عدالت و بی طرفی است، کاسته است. از آنجایی که به کارگیری صلاحیت جهانی یک عمل یک جانبه از سوی حاکمیت یک کشور است، بسیاری آن را به منزله دخالت در امور داخلی-قضایی و تعدی به حاکمیت کشورها می دانند و از این رو به آن بادیه تردید و حتی دشمنی می نگرند. قدر مسلم همان گونه که تجربه نشان داده، اعمال صلاحیت جهانی از سوی یک کشور علیه کشوری دیگر، خطر برهم زدن نظم بین المللی و تزلزل روابط سیاسی رادری خواهد داشت.

بند دوم: صلاحیت جهانی و دخالت در امور قضایی کشورها:

مسئله دخالت در امور داخلی شاید اختلاف برانگیزترین عامل سوء تفاهم و کشمکش در میان اعضاء جامعه بین المللی باشد. اعمال صلاحیت جهانی نیز همان گونه که گفته شد، به عقیده بسیاری، تعدی به حاکمیت کشوری دیگر محسوب می شود و از این رو به نظر می رسد تا مدت ها هم موضوع بحث میان جوامع دانشگاهی و آکادمیک و هم میان دولتها باقی بماند. به نظر آقای فیلیپ واکل^{۹۵} بحث پیرامون صلاحیت جهانی محاکم داخلی، در واقع ادامه بحث در مورد دخالت بشر دوستانه^{۹۶} است. مخالفان ساز و کار صلاحیت جهانی در مورد اعمال آن از اصطلاح دخالت قضایی^{۹۷} با دخالت در امور قضایی کشوری دیگر استفاده می کنند.

دخالت در امور داخلی در حقیقت پرداختن به اموری است که انجام آن از حقوق متعلق به دیگری باشد، گرچه در برخی موارد مجاز و حتی ضروری نیز تلقی می شود. در این صورت می توان از اصطلاح دخالت مشروع^{۹۸} استفاده کرد. حقوق بین الملل بشر دوستانه کلاسیک، حقوق قربانیان و آسیب دیدگان را در شرایطی خاص از نظر دور نمی دارد. حقوق ابتدایی همچون حق زندگی، دسترسی به تغذیه، بهداشت و مداوا و موضوع رفتارهای شقاوت مندانانه و پست قرار نگرفتن، از جمله مواردی است که در حیطه عملکرد حقوق بین الملل بشر دوستانه قرار می گیرند. البته نباید از نظر دور داشت که اجرایی کردن این اهداف در عمل با انکار دولت هایی که نمی خواهند حضور نیروهای بشر دوست و عبور و مرور آنها از

^{۹۱} Philip L Wackel

^{۹۲} Ingerence Humanitaire

^{۹۳} Ingerence Judiciarc

^{۹۴} Ingerence Legitime



مرزهایشان را ببینند، مواجه می شود. آقای بتاتی^{۹۹} که از بنیانگذاران اصلاح دخالت بشردوستانه است، جهانی شدن تدریجی حقوق بشر را دلیلی برای خارج نمودن آن از حیطه صلاحیت انحصاری دولت ها می داند و با این توضیح نفوذ در حاکمیت دولت ها به منظور حمایت از این حقوق را مشروع می شمارد.

در مورد مداخلات مسلحانه باید توجه داشت که فعالیت های بشردوستانه در دو زمینه، توسعه و پیشرفت کرده اند: یکی در رابطه با کمکهای (مادی) بشردوستانه و دیگری در خصوص حمایت قضایی که توجیح این چشم انداز جدید در همان مبارزه بابتی کیفری جرائم خفیه حقوق بین الملل نهفته است. حمایت قضایی از قربانیان و بازماندگان درگیری های مسلحانه در حقیقت مکمل کمکهای مادی و انسانی به این افراد است.

دخالت قضایی یا دخالت در امور قضایی از مجرای سازوکار صلاحیت جهانی، در کنار سایر سازوکارهای حقوقی کیفری بین المللی در بازسازی صلح مشارکت می نمایند؛ چرا که یکی از شرایط حاکمیت صلح، عدالت است به نحوی که این دو واژه از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. دخالت در امور قضایی پرداختن به امور متعلق به دیگری است. اما چنانچه این دیگری قابلیت، توانایی و یا اراده انجام وظایف و تکالیف قضایی خود را در امور مهمی که با اصول اساسی جامعه بین الملل و آزادی ها و حقوق فردی در ارتباط است، نداشته باشد، دیگران می توانند و حتی ملزم اند ضعف های وی را جبران نمایند. همچنین اعمال صلاحیت جهانی می تواند نقش پیشگیرانه نیز داشته باشد و بتوان امیدوار بود آنانی را که در آینده قصد ارتکاب جرائم بین المللی دارند، با مشاهده سرنوشت دیگران از مقاصد خود بازدارد.

بخش سوم: صلاحیت جهانی و ایجاد تنش در روابط بین الملل:

صلاحیت جهانی اصلی است که طبق آن کشورها می توانند افرادی را که به منافع اساسی و مهم جامعه جهانی صدمه وارد کرده اند، صرف نظر از محل وقوع جرم و تابعیت متهم و مجنی علیه، مورد محاکمه قرار دهند. این عمل در حقیقت ترجیح منافع بین المللی بر منافع ملی است. بلژیک از کشورهای پیشرو در احیاء و به کار گیری صلاحیت جهانی کشور است که ابتدا در سال ۱۹۹۳ نوع نامحدود این سازوکار را وارد قوانین کیفری خود نمود، ولی به دلیل مسائل سیاسی، مقنن مجبور به اصلاح قانون صلاحیت جهانی نامحدود شد.





منبع اصلی فشارهای سیاسی بر بلژیک ناشی از صدور کیفرخواست علیه برخی مقامات آمریکایی و اسرائیلی بود. خشم مقامات آمریکایی از صدور کیفرخواست هاتا اندازه ای بود که حتی تلاش هایی را برای تغییر محل ناتو از بروکسل آغاز نمودند. بیم از اجرای کیفرخواست صادره، عاملی است که سفرهای مقامات کشور متهم را هم به کشور صادر کننده کیفرخواست وهم به کشورهای دیگر محدود می کند. نخست وزیر وقت اسرائیل (آریل شارون^{۱۶}) پس از صدور کیفرخواست، سفر خود را به بلژیک لغو نمود. مسئله محدود شدن سفرهای خارجی یک مقام مظنون در مورد وزیر خارجه سابق جمهوری دموکراتیک کنگو (روریا) قابل تأمل می نماید. در این مورد آقای پیر درژان^{۱۷} متعقد است از آنجایی که در زمان صدور کیفرخواست از سوی بلژیک، جمهوری دموکراتیک کنگو در موقعیت جنگ به سر می برد، در نتیجه برای وزیر امور خارجه این کشور آزادی جابه جایی و حرکت به منظور حل و فصل معضل کشورش از هر زمان دیگر ضروری تر می نمود.

به هر حال منتقدان اصل صلاحیت جهانی، آن را موجب تنش و بی نظمی در روابط بین الملل می دانند، اما در همین مورد سازمان غیردولتی عفو بین الملل، در گزارشی بیان می دارد که ادعای این گونه پیگرد جرائم بین المللی به ایجاد تنش در روابط سیاسی و دیپلماتیک می انجامد، گزافی بسش نیست. سپس با ذکر نمونه پرونده بینوشه اظهار می دارد کشمکش که در این قضیه میان کشور شیلی از یک سو و کشورهای بلژیک، فرانسه، اسپانیا و سوئیس ایجاد شد، هرگز منجر به قطع روابط دیپلماتیک نگردید، بلکه در یک پروسه قضایی حل و فصل شد.

از طرف دیگر کشورهایی که در صحنه بین المللی از قدرت کمتری برخوردار هستند، از تبدیل تأسیس صلاحیت جهانی به یک ابزار سیاسی در دست دولتهای بزرگ ابراز نگرانی می کنند. مورد جالب توجه اخیر پیشنهاد تانزانیا^{۱۸} به نمایندگی از گروه کشورهای آفریقایی در کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل در مورد دامنه شمول این صلاحیت است. نماینده تانزانیا به ضرورت ایجاد شفافیت در توسعه تأسیس صلاحیت جهانی به منظور رعایت بی طرفی و یکپارچگی در اعمال این صلاحیت در مورد تمام دولتها تأکید کرد.

بخش چهارم: نگاهی به صلاحیت جهانی در دادگاه بلژیک:

۱۶. Ariel Sharon

۱۷. Pierre d Argent

۱۸. (A/۶۳/۲۳۷/Rev.۱)

قانون بلژیک با اعطای «صلاحیت جهانی» راه تعقیب و محاکمه جنایتکاران جنگی و مرتکبان جنایت ضد بشریت را بر روی مراجع قضایی این کشور می‌گشاید. طبق ماده ۷ این قانون، دادگاه‌های بلژیک صالح به رسیدگی به جرایم مذکور در قانون هستند و تابعیت مرتکب، تابعیت منجی علی یا محل وقوع بزه تأثیری بر این صلاحیت ندارد. به عبارت دیگر، ارتکاب جنایت در خارج از بلژیک و توسط خارجی‌ان حتی بدون کمترین ارتباط جرم با بلژیک مانند آنکه قربانیان از اتباع بلژیک باشند، به قضات بلژیکی حق رسیدگی را می‌دهد. برای شروع به رسیدگی نیز هیچ شکایت یا تشریفات خاصی لازم نیست. همچنین بنا به تصریح این ماده، در صورتی که فردی از اتباع بلژیک در خارج از این کشور مرتکب این جرایم نسبت به اتباع بیگانه شده باشد، شکایت آنان یا خانواده‌هایشان یا حتی درخواست مقامات رسمی کشور محل ارتکاب جرم برای پیگرد کیفری تبعه بلژیک لازم نیست. اهمیت پیش‌بینی صلاحیت جهانی برای دادگاه‌های بلژیک در امر تعقیب متهمان به ارتکاب جنایت جنگی آن‌گاه بیشتر بر ما روشن می‌شود که به یاد بیاوریم این قانون به جنایات ارتكابی در حین مخاصمات داخلی نیز شمول دارد. از این رو، حقوقدانان این قانون را به تنهایی دلیل قاطعی بر وجود رویه بین‌المللی می‌دانند که صلاحیت جهانی را به موارد نقض عمده کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های آن از جمله نقض ماده ۳ مشترک این کنوانسیون‌ها و پروتکل دوم الحاقی تسری می‌دهد. هرچند که برخی دیگر معتقدند که قانون بلژیک در این زمینه از آنچه حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته فراتر رفته است. زیرا دولتی نمی‌تواند صلاحیت جهانی را به طور قانونی در غیر مواردی که حقوق بین‌الملل تعیین کرده اعمال کند. از این حیث قانون بلژیک از حقوق بین‌الملل فراتر می‌رود زیرا صلاحیت جهانی را برای رسیدگی به نقض عمده پروتکل دوم الحاقی در نظر گرفته است در حالی که خود این پروتکل حکمی در این باب ندارد. به هر ترتیب، قانون بلژیک نخستین قانونی است که «صلاحیت جهانی» را صریحاً برای تعقیب جنایات جنگی واقع شده به هنگام مخاصمات مسلحانه داخلی در نظر گرفته است. به همین دلیل رویه قضایی بین‌المللی این قانون را قانونی به حساب آورده که بی‌کمترین بهامی دادگاه‌های یک دولت را قادر به رسیدگی به نقض مقررات پروتکل دوم ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو می‌کند. اما آنچه که باز هم براهمیت این قانون و صلاحیت جهانی مقرر در آن می‌افزاید این است که حتی اگر در حال بلژیک نیز به متهم دسترسی نباشد، دادگاه‌های بلژیک حق تشکیل پرونده و تعقیب کیفری او را دارند. به عبارت دیگر، متهم به طور غیبی نیز قابل تعقیب است. اگر چه این حق به تصریح در متن قانون نیامده است ولی بنا به سایر مقررات دادرسی کیفری بلژیک، دادگستری این کشور به



جستجو و پیگرد متهمان حاضر در دیگر کشورها پرداخته است. این همان خصوصیتی است که این قانون را با مصوبات دیگر دولت‌ها متفاوت می‌کند.

در واقع اگر در هلند، سوئیس یا دانمارک شاهد محاکمه صرب‌های بوسنیایی متهم به جنایت جنگی هستیم، اینان زمانی که خود پای به این کشورها نهاده و شناسایی شدند تحت تعقیب قرار گرفتند. در فرانسه به رغم داشتن قانون لازم برای تعقیب این گونه جنایات، قضات از تعقیب متهمانی که در قلمروی فرانسه حضور ندارند خودداری می‌کنند. این ویژگی قانون بلژیک این پرسش را پیش می‌آورد که صلاحیت جهانی با تفسیر مضیق تنها به مفهوم دستگیری و محاکمه متهم حاضر در محل دستگیری است یا آنکه در مفهوم وسیع‌تر شامل تلاش برای جستجو و دستگیری کسانی نیز می‌شود که هیچ‌گاه در خاک دولت متبوع دادگاه حضور نداشته و شاید هم در کشور خود آسوده از هر ژیکردی روزگار می‌گذرانند. این نکته قابل درک است که بسیاری از دولت‌ها تعقیب کسی را که در خاک آنها حاضر نیست و دسترسی به آن ندارند بی‌فایده پندارند. اما باید توجه داشت که تلاش برای یافتن و دستگیری متهمان به جنایات جنگی که در کشور متبوع دادگاه حضور ندارند معنای واقعی به صلاحیت جهانی می‌بخشد و با اصول و اهداف کنوانسیون‌های ژنو نیز سازگار است. زیرا هدف از پیش‌بینی صلاحیت جهانی در آنجا اجرای عدالت و جلوگیری از گریز جنایت‌کاران از مجازات است. در واقع نص کنوانسیون‌های ژنو آمرانه دولت‌ها را تکلیف به جستجوی متهمان به منظور محاکمه آنان می‌کند و چنین الزامی منوط به حضور آنان نشده است. از این دیدگاه تعهد مذکور در کنوانسیون‌ها در صورت حضور متهم به معنای تعهد به جستجو و تحویل متهمان به دادگاه است و در صورتی که متهم در خارج از قلمروی آن دولت باشد به معنای جستجو و پیگرد او در هر جای ممکن است. بنابراین صلاحیت کیفری را باید به گونه‌ای تفسیر کرد که شامل رسیدگی غیابی و امکان تعقیب کیفری متهمانی هم بشود که در خاک دولت متبوع دادگاه نبوده یا اینکه از محل آنها اطلاعی در دست نیست. بنا به این نظر، اساساً در این قبیل موارد که موضوع جنایت جنگی یا جنایت ضد بشریت در میان است، تعبیر درست از حقوق بین‌الملل آن است که دولت‌ها را مجاز بدانیم تا هر نوع اقدام مناسب را برای کشاندن و آوردن متهمان به خاک خود به منظور محاکمه آنها انجام دهند.

این همان کاری است که دادگستری بلژیک در پی تصویب قانون یاد شده برای تعقیب و محاکمه متهمان به جنایت جنگی یا جنایت ضد بشریت انجام داده است و متهمان را اعم از



کسانی که در بلژیک بوده اند یا نبوده اند تحت پیگرد گذارده است. به عنوان نمونه چهار و آندایی حاضر در خاک بلژیک در ژوئن ۲۰۰۱ به اتهام مشارکت در نسل کشی سال ۱۹۹۴ در این کشور به حبس از ۱۲ تا ۲۰ سال محکوم شدند. همچنین بلژیک با ورود در پرونده ای مطرح در دادگاه کیفری بین المللی برای روآندا خواهان تحویل یک روآندایی دیگر به نام **bernard ntuyhaga** شد که دادگاه بین المللی وی را به علت کافی نبودن دلایل آزاد کرده بود. بلژیک این درخواست را به استناد قطعنامه شورای امنیت و در مقام ایفای تعهد مبارزه با نقض حقوق بشردوستانه تسلیم دادگاه بین المللی کرد. هرچند که دادگاه بین المللی برای روآندا در پاسخ این درخواست اعلام کرد، تحویل کسی که دیگر تحت تعقیب دادستان نیست و آزاد شده است خارج از اختیارات این دادگاه است. دو شهروند بلژیکی مامور به خدمت در نیروهای پاسدار صلح در سومالی که متهم به ایراد ضرب و جرح چند سومالیایی در سال ۱۹۹۳ شده بودند براساس همین قانون تحت پیگرد قرار گرفتند. البته دادگاه نظامی وضعیت جاری در سومالی در آن سال را داخل در شمول قانون یاد شده یعنی وقوع جرم حین درگیری مسلحانه ندانست. در نتیجه اعمال قانون مزبور نسبت به آنان موقوف ماند. نتیجه ای که با انتقاد حقوقدانان بلژیکی روبه رو شد. اجرای این قانون در بلژیک محدود به قضایای یاد شده نمانده است. در واقع طی سال های گذشته درهای محاکم این کشور به روی جنایت دیدگان از هر گوشه جهان گشوده شد. با شکایت این افراد پرونده هایی تشکیل شد برای کسانی همچون ژنرال پینوشه دیکتاتور سابق شیلی، فیدل کاسترو رهبر کوبا، حسن هابره دیکتاتور سابق چاد، و آریل شارون نخست وزیر اسرائیل که قتل عام اردوگاه های صبرا و شتیلا در لبنان و اردوگاه جنین در فلسطین اشغالی به دست او از خاطر محو نخواهد شد. هیچ یک از اینها به هنگام طرح شکایت در خاک بلژیک حضور نداشتند.

بنابراین تلاش قضات بلژیکی بی سبب نیست که به این شکور لقب «قاضی دنیا» را داده باشند. بر همین اساس بود که دادگاه بروکسل در مقام تعقیب وزیر امور خارجه پیشین کنگو برآمد و دامنه اختلاف در این خصوص چنان بالا گرفت که کار به مراجعه به دیوان بین المللی دادگستری کشید

بخش پنجم: گام های کوتاه جرم شناسی ایران به سوی جهانی شدن:

اشاره به جایگاه جرم شناسی ایران در حوزه های دانشگاهی، قضایی و اجرایی، گام های برداشته شده در این زمینه را نشان خواهد داد. جرم شناسی در مؤسسات دانشگاهی با تأسیس نخستین مؤسسه تحقیقاتی علوم جزایی و جرم شناسی به سال ۱۳۴۰ در دانشگاه تهران مطرح شد. این مؤسسه با اهداف بسیار مترقی شکل گرفت که اشاره به بعضی از آنها، اهمیت توجه به مباحث جرم شناسی را مورد





تأکید قرار می‌دهد: تحقیق و مطالعه برای شناسایی علل پیدایش جرم، پیدا کردن طرق مؤثر برای پیشگیری از جرم، کشف علل بزهکاری، کشف روش‌های علمی-تربیتی برای اصلاح بزهکاران و ارائه طریقه‌های بازگرداندن آنان به زندگی شرافتمندانه و جلوگیری از تکرار جرم، تحقیق علمی درباره وظایف قاضی دادگاه اطفال و اشاعه نتیجه این گونه تحقیقات از طریق تنظیم برنامه‌های آموزشی، تحقیق درباره روش‌های رایج ارتکاب جرم به منظور تسهیل کشف جرائم، اشاعه و ترویج روش‌های علمی جرم‌شناسی از طریق تدوین و انتشار کتاب و مجله^{۱۳}.

در حوزه اجرایی و قضایی، عضویت وزرات دادگستری ایران را در جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی در سال ۱۳۳۱ باید نقطه عطفی در توجه به این علم محسوب کرد. این عضویت بیانگر توجه مقامات قضایی و نیز قانون‌گذار به اهمیت تعلیمات و یافته‌های جرم‌شناسی در اصلاح قوانین کیفری کارآمد است. متأثر از مطالعات و دستاوردهای جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی و با الهام از تأسیس مؤسسه تحقیقاتی علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، وزارت دادگستری در اواخر سال ۱۳۴۱ ایجاد یک مرکز جرم‌شناسی را در آن وزارتخانه، در اولویت کارهای خود قرار داد. هرچند این تلاشها منتهی به ایجاد مؤسسه مورد نظر در وزارت دادگستری نشد؛ زیرا وزارتخانه مزبور با تأکید بر اهمیت مطالعات جرم‌شناختی، آیین‌نامه زندانها و مؤسسات صنعتی و کشاورزی را در سال ۱۳۵۴ تنظیم و تدوین کرد، ولی متولیان امور قضایی کشور، کماکان به دنبال ایجاد مرکزی برای مطالعه در زمینه مسائل جرم‌شناسی بودند.

قانون اساسی در بند ۱۵۶ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز «پیشگیری از بزهکاری و اصلاح مجرمین» را مورد توجه قرار داد و در ادامه همین تفکر، شورای عالی قضایی در سال ۱۳۶۳ آیین‌نامه تأسیس «مرکز مطالعات حقوقی و قضایی» را تحت مدیریت وزارت دادگستری تصویب کرد.

تصویب آیین‌نامه و سازمان زندانها در سال ۱۳۶۸ توسط ریاست وقت دیوان عالی کشور و سپس تصویب آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور را در سال ۱۳۷۲ نیز باید در راستای توجه بیش از پیش مسئولان قضایی به مطالعات جرم‌شناسی و کیفرشناسی تعبیر کرد.

^{۱۳} - نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶: ۱۲۰.

نتیجه گیری:

مردم دنیا تهدیدات ناشی از گسترش تروریسم را درک کرده اند. هیچ کس نمی تواند اقدامات خرابکارانه تروریستهارا درحمله بر برجهای تجارت جهانی در نیویورک به سال ۲۰۰۱، بمب گذاری قطار مادرید در سال ۲۰۰۴، بمب گذاری متروی لندن در سال ۲۰۰۵، حمله به هتل بمبی در سال ۲۰۰۸ و... فراموش کند. به موازات گسترش جرائم در سطح دنیا، تحولات شگرفی نیز در ثروت، تولید، تجارت و تعدیل قدرت جهان در حال وقوع است. سلطه اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی به ویژه در کشورهایی مانند چین و هند، طی چند سال اخیر، در حال تغییر موازنه ثروت و قدرت در جهان است. امتیازات انحصاری در زمینه ثروت، اطلاعات و ارتباطات و تأثیری که تا کنون متعلق به آمریکا و اتحادیه اروپا بود. به طور فزاینده ای با کشورهای دیگر در حال توسعه، تقسیم شده است. کشورهایی که قبلاً به مؤسسات و سازمانهای جهانی، صندوق بین المللی پول وابسته بودند، در حال حاضر استقلال مالی خود را پیدا می کنند. حال با این همه تحول، باید انتظار داشت که چهارچوب های ذهنی و جغرافیایی مانیز در قلمرو نظریه پردازی، تحقیق، مطالعه، یافتن راهکار برای معضلات جهانی تفسیر گردد. البته باید تأکید کرد که برداشتن چنین گامی در وهله نخست نه آسان است و نه عاری از اشتباه. اما ضرورتی غیر قابل اجتناب است. این ضرورت یعنی پیدا کردن راهکار برای بزهکاری جهانی شده و فراملی که مستلزم فراهم کردن بسترهای مطالعه و تحقیق در سطح بین المللی است، بیش از هر رشته دیگر پیش روی جرم شناسی است. ضرورت جهانی کردن جرم شناسی، قطعاً زمینه هایی را برای دست اندیشیدن، درست تحقیق کردن و جهانی عمل کردن فراهم خواهد آورد و بدین ترتیب جرم شناسان را به عرصه جهانی خواهد کشاند که البته با چالشهایی مواجه است. لاجرم این چالشها باید هنرمندانه پشت سر گذاشته شود تا در صورت ارتکاب جرائم فراملی، سازوکار مقابله با آن تهیه و فراتر از آن امکانات پیشگیری از وقوع آنها فراهم گردد.



منابع و ماخذ:

- ۱- پرادل ژان، «به دنبال جهانی شدن حقوق کیفری»، ترجمه محمد مهدی ساقیان، مجله حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۳۸۳، ۱۱ ش.
- ۲- «قانون موافقت نامه همکاریهای امنیتی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی بحرین»، روزنامه رسمی، شماره ۱۸۹۰۸، فمورخ ۱۳۸۸/۱۱/۰۶.
- ۳- گل محمدی، احمد، جهانی شدن فرهنگ و هویت، چاپ دوم، تهران، نشرنی، ۱۳۸۳ ش.
- ۴- سجادی پور، سید محمد کاظم، جهانی شدن، برداشتها و پیامدها (مجموعه مقالات)، چاپ دوم، مرکز انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲ ش.
- ۵- والترز، کنت، حقوق بشر و چشم اندازها، تهیه و تنظیم مرکز مطالعات حقوق بشر، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ۶- عبدالرضا ملک، دستورالعمل اتحادیه بین المللی مبارزه با پول شویی، مجله بانک و اقتصاد، ش ۲۶.
- ۷- رضا پرویزی، معاهده پالمو علیه جرایم سازمان یافته فراملی، مجله امنیت، ۱۳۷۹/۱۷/۱۸
- ۸- ر. ک: حسین حشمتی، عزم جدی برای قطع ریشه های نامرئی در لایحه های اقتصاد (سرمقاله)، فصلنامه بانک صادرات ایران، ش ۲۱.
- ۹- علی حسن زاده، بهنام مرادی، تطهیر پول و نظام مالی بین المللی، سایت بانک رفاه.
- ۱۰- حسین حشمتی، شرایط اسلامی مبادله مانعی بالقوه در مقابل پول شویی، فصلنامه بانک صادرات، ش ۲۱.

